

زندہ یاد احمد زارعی



شعبہ علم و ادب و مطالعات فرہنگی

# شعرا انقلاب از منظر محتوی

در محتوا بیش از همه، محورهای جنگ (مبارزه طلبی، شهید و شهادت، پیکار با ظلم) امام (تمجید از صفات و حالات ایشان و نیز تأخر و مرثیه سرایی در سوگ حضرتش)، مناسبتها (شهادت یاران امام، عاشوراییها، ولادتها و شهادتهای امامان، بعثت و...) و اجتماع (موضع گیری بر ضد رفاه طلبان بی درد و دفاع از محرومان، دغدغه کم رنگ شدن ملاکهای ناب انقلاب) در شعر انقلاب به چشم می خورد. آیا اینها اصلیند؟ و آیا ادامه طبیعی فرهنگ ریشه دار حاکم بر جامعه ما هستند؟

با اندک توجهی می توان دریافت که محورهای فوق براساس اصول ولایت و عدالت دوستی شبیه و یا توجه به خصلت «زمان آگاهی» او (مناسبت سرایی) در شعر انقلاب منعکس شده اند. اما نکته مهم این که گویا خود شاعران چندان وقوفی به این مساله ندارند. چرا که طبیعی است در این صورت باید شعرشان دارای عمق و رنگی دیگر می شد. مثلاً اصل ولایت دوستی یکی از اصیل ترین خصایص شعر مکتبی است. منتهای جای هیچ بحثی نیست که اصل ولایت، ولایت عصمت است و در دوره غیبت کبری، ولایت عدالت. حال به نمونه هایی از اشعار فراوان و زیبایی که برای ولی فقیه عادل زمان، سروده شده است توجه می کنیم:

نیاید از شب و تشویش با تو صحبت کرد  
زعقل مصلحت اندیش با تو صحبت کرد  
دل از تلاوت وحی کلام تو پنداشت  
که چیرئیل دمی پیش با تو صحبت کرد

با گام تو راه عشق آغاز شود  
شب با نفس سپیده دمساز شود  
با نامه تو این بهار جاری در جان  
یک باغ گلی محمدی باز شود. ۲۰

تو امتیاد کوثر خوشانی  
سرچشمه تو سوره اعطیناست  
فریاد تو تلاوت یک توفان  
آرامش تلاوت یک دریاست ۳

تا دیده ام عکس خدا در چشمه های  
شک می کنم در آیه های آن ترانی  
چشمش نبیند روی روز نیکبختی  
هر کس نمی خواهد که جاویدان بمانی

مردی که طلایه دار مردان خداست  
از طایفه نور نوردان خداست  
قطبی که مدار چشم او قیله نماست  
قلبش گل آفتابگردان خداست ۴  
ای پیشوای من / هر شب تو را / بر پشت بام خانه /

با واژه های روشن شعر ستارگان / پیوند می زنیم  
با اینکه اصل ستایش از ولایت، به دلیل بیوستگی  
سنتی به شعر شیعه و از آن جمله شعر شاعران  
شیعه فارسی زبان، اصیل است، ولی چون کمتر به  
اصل توجه می شود بیم آن است که این اقبال  
شاعرانه، سرشار از آگاهی و مشحون از معرفت  
اسلامی نباشد؛ به عبارت دیگر اگر روی آوری به  
شعر انقلاب جوی و عاطفی صورت گرفته باشد و  
ریشه در اعماق فکر و باور قلبی نبسته باشد، جای  
این نگرانی باقی خواهد بود که این گلهای بنیادین  
شعر و احساس، با نخستین ورزش سموم، از حرکت  
برومند شعر مکتبی خشکیده، بر زمین افتند. با  
وجود این، آثار شاعران انقلاب از ایالات نمیت به  
معصومان و به ویژه حضرت سیدالشهدا (ع) و  
حضرت امیر (ع) معطر است. در این میان حادثه  
عظیم عاشورا به دلیل تاثیر عظیمی که در شعر  
انقلاب گذاشته است جایگاهی خاص دارد:

خونی که از گلوئی تو تراوید / همه چیز و همه کس  
را در کائنات دو پاره کرد / در رنگ / اینک هر چیز  
یا سرخ است / یا همچنی نیست / آه / در حسرت  
فهم این نکته خواهیم سوخت / که حج نیمه تمام  
را / در استلام حجر وانهادی / و در کربلا با بوسه  
بر خنجر تمام کردی ۶

از دست ما بر ریگ صحرا نطع کردند  
دست علمدار خدا را قطع کردند  
نوباوگان مصطفی را سر بریدند  
مرغان بستان خدا را سر بریدند ۷

روزی که زدریای لبش در می رفت  
نحر کلماتش از عطش یز می رفت ۸  
و نیز مدح و منقبت حضرت امیر (ع) در آثار شاعران  
انقلاب اسلامی جلوه گر است:  
تنها سر جاه می روم گاه به گاه  
سر می بهم اندوه کنان چون تو به چاه  
می گریم و با یاد غمت می گویم  
لاحول و لا قوه الا بالله ۹

پیشانی او به مرگ خندید شکافت  
چون ماه که تا روی نبی دید شکافت  
با دست نبی رقیبتی داشت مگر  
آن دست که پیشانی خورشید شکافت ۱۰

هنگام فلقی که آن شب غاسق رفت  
خونین به هوای یار خود عاشق رفت  
تقدیر چنین بود که اندر شب قدر  
قرآن خموش آمد و ناطق رفت ۱۱  
گفتیم که شخصیت برجسته و تابناک یاران امام  
رضوان الله علیه نیز به زیبایی هر چه تمامتر در شعر

• جنگ از جهت توجه  
فراوانی که شاعران به  
آن داشته اند و بخش  
عمده ای از زیباترین  
شعرهای انقلاب را به  
خود اختصاص داده  
است؛ به عنوان یک  
محور جلوه گری می کند  
و گرنه می توان آن را  
تحت عنوان ولایت،  
دوستی و آمادگی ایثار و  
جاننازی برای رکن رکن  
ولایت مورد بررسی قرار  
داد.

در مجموع می توان گفت شعار آن انقلاب در پیوسته سنگ تمام گذاشته اند:

« خصلت طرز تدبیر آن بدین در شعار آن انقلاب با تمام وجود می باشد »



انقلاب نمود می باشد چنانکه مثلاً برای شهید مطهری گفته شده است:

از حجرات سینه می نوشد آب از جام ملت چون چشمه می چشند آب با پاک شود همچو آلال میخندد بیرون است که میماند می نوشد آب یا برای تحقیر می آید میخندد بر غیر که هیچ آب بر خاک افتاد لب ز آب می نوشد بر خاک افتاد و چشمش فرو می آید چون می گزید خصلت آن می بود که...

و به بزرگ شایسته چون شهید بهشتی و هاشمی و تو می از دانش ۱۸ شهید نظر و اندیشه شریفان مجرب و ... آنچه تا آنجا گفته شد تا آنجا سخن و بارز حضرت امام خمینی (ره) هر یک نفس میگذارد می طیف تا بتوان چنان که باید آنگاه بین کرد محرم جنگ نیز یکی از بزرگترین معجزه های درستی است نوع انقلاب است که در این سخن به چشم می آید و بسیاری از شعار آن انقلاب بسته می آید و می شود به معنی سخن و بارز که پیش از این گفته شد به معنی...

این تیره که از سفره و آهن گزید روز رشید موی و چشم سوزان گزید چنین بود بر دشمن خود زخم زاید تا آنکه بسوزد از این دشمن گزیدند...

ایس جور رخت بخت با هم می آید گفت خون خاک با تو می آید ایم نقد موی از سر گزیدند با آنکه هوا بین سر و پیکر تو آید...

این کفر بر سینه میخورد از تیره همین بر سینه میخورد از تیره این سخن بیاید دشمن هر روزی با آن که با نبوغت خود میخورد...

این سخن به خصلت می طیفد می آید ای بیگانه ای می طیفد با خصوصه کلان و با خود یاد می آید این است خصلتی که در این می طیفد...

چنگ از جهت توده فریبی که دشمنان بدان میخندند و بخش ستمی از بهترین شهر های انقلاب را به خود اختصاص داده اند به عنوان یک تصور بودگی می کنند و در این می بیند که این خصلت است و لایحه میخورد و اندکی نیز و نظری برای آن که در این ولایت میخورد و بر می آید که خصلت این معجزه های معجزه می کند به طور کلی بر وجه معجزه های معجزه است که در این معجزه...

بر کار همه مظلومان رسیده است...

و اکثر ده نوبست مهران لقب شده است هرگز تصویر تی به قند هرگز می خون زلال گریه از ریش ملت گوشه های از شهر های جنگ تحریقی و تسویلی روزگاران به نوبت است...

در خون باید و خون نمایی چون تیغ از قطعه تیغ بویکتایی چون تیغ این بودا سید روی آن را شرم است که عمر تا صبح روزی این چنین تیغ را...

بچه نفس روزگاران به آینه و رفعت نوبست در اندک خصلت انقلاب به چشم می آید که در...

کمی نگردد انقلاب با یادآوری سینه عکس بود این شمع را در برافشان به جوش می آورد و در جوش شمع مظلومی را در این سخن عجز می کند که شعر...

نظمت در عین سخن به حق از مرز مظلوم غمی بر جان می گذارد که برخی از فرخنده ترین و با سخن در این سخن می آید...

بر کوه سرنگ آید و روزی بر کوه سرنگ میخورد روزی می خندد سرنگ از اسب خصلت...

این سخن به معنی سخن می طیفد و خصلت می طیفد سخن از خصلت می طیفد...

خبر از خصلت می طیفد سخن از خصلت می طیفد...

خصلت می طیفد سخن از خصلت می طیفد...



یقیناً زبان شعری اختصاصی آینده این سرزمین خواهد بود و نمونه‌های عالی خلاقیت و توانایی شاعران انقلاب.

شعر انقلاب قالبهای مثنوی، رباعی و دوبیتی را از میراث فرهنگی شعر، و چهارپاره را از شاعران موخر اخذ کرده است و محتوای اعتقادی انقلابی اش را در آنها ریخته است. قالب نبطی حتی سپید یا به تعبیر صحیح تر آزاد را هم به کار کشیده است. این دو قالب اخیر را کلاً از محتواهای مبتذل و فاسد پیش از آن پاک کرده، محتوایی تازه به آن بخشیده است. قالب رباعی را نیز با مضامین حماسی شهید و شهادت و مطالب اجتماعی گسترش محتوایی داده است. مثنوی را نیز، هم در وزن و هم در محتوای اعتقادی شایسته‌تری گسترش بخشیده است.

با نگاهی به نمونه‌هایی که در همین مقاله از شعر انقلاب ذکر شده است می‌توان به وضوح، مهارت هنرمندانه شاعران را در به کارگیری فنون شاعری مشاهده کرد. این به کارگیری صنایع، محدود و خاصی را در بر نمی‌گیرد؛ اما غالباً «تضاد» و «سراعات نظیر» در آن جلوه‌گری بیشتری دارد. نکته مهم این است که شاعران انقلاب معمولاً از اینکه از تصاویر دیگران بهره گیرند، پرهیز دارند و استقلال آنان از صنایع شعری نیز با خلاقیت و آفرینش تصاویر و مضامین جدید همراه است که این برخورد، زاینده و پویا و ضروری

غیرفارسی زبان، چون کمیت و دعل و سید حمیری و مانند اینها و بعد هم در آثار شاعران بزرگ فارسی زبان سراغ گرفت. به چند نمونه توجه کنید:

می‌برم منزل به منزل چوب دار خویش را  
تا کجا پایان دهم آغاز کار خویش را ۲۵

باز می‌خواند کسی در شبیه اسبان مرا  
منتظر استاده در خون چشم این میدان مرا ۲۶

برسان بیز من آن مرشد مردی را / یکه تهمتن عرصه  
گردی را... / یکه عرصه عیار همه عیاران / قمه بند  
گذر حادثه در باران ۲۷

من آن ستاره شب‌سوز دور پروازم  
که در مدار زمین نیست جای پروازم  
مرا به کشتی خون برنشانده موج جنون  
که در کناره خورشید لنگراندام  
حصار خاکی تن بشکنم اگر روزی  
زمام عرش برآید طنین آوازم ۲۸

آنانکه خلق تشنه به خنجر سپرده‌اند  
آب حیات از لب شمشیر خورده‌اند ۲۹  
این زبان که آمیخته دو زبان کمال یافته شعر پارسی  
است اگر با دقت و مطالعه بیشتر به کار گرفته شود.



است.

مضامین جدیدی که وارد شعر فارسی شده و آن را گسترده است؛ از یکسو مضامین و تصاویر خاص زورخانه‌ای است؛ چون، نوچه؛ لنگی، مرشد و... و از سوی دیگر جنگ و مضامینی چون، شهید و شهادت، جهاد، تفنگ، موشک، بمباران، سنگر، پاسدار، بسیجی... و از جهت دیگر مسائل سیاسی و اقتصادی و مکتب‌آمیز و عناصری چون محترمه، حاج آقا، پلوی، بتز، مقابله کوخ و کاخ، سازمانهای بین‌المللی، فلسطین، قدس، وحدت، استکبار و امانت آن است. گاه تصاویر روستایی چون ایلات، گله، چوپان، چادر، کوچ و حتی اخیراً اصطلاحات فقهی - گرجه، کم اما مفتنم، خودی می نمایانند و نوع و جلوه تازه‌ای به شعر انقلاب می‌بخشند. پس در حیطه صنایع و مضامین، شعر انقلاب خلاقیت و قدرت گسترش دهی خود را نشان داده است.

آنچه به عنوان ضعف در اینجا می‌توان ذکر کرد تک ساختی بودن مضامین و تصاویر است. دلیل آن جدا از شتاب انقلاب و لزوم همراهی شاعران آن، که از نظر ما دلیل چندان پذیرفته‌ای هم نیست. خلاقیت و نوآوری بیش از حد شاعران انقلاب است؛ به بیان دیگر، شاعران بیش از آنکه تصاویر را بعد و عمق ببخشند و مضامین را تصمیم دهند نوآوری می‌کنند. به این ترتیب در غایت تصاویر و مضامین نو ولی بیخنده باقی می‌مانند و دارای فرهنگ نمی‌شوند و موج ایجاد نمی‌کنند. به همین دلیل اشعار، تازه‌ریسته و ترد و شاداب اما کوتاه عمر و محدودند و دارای تأثیری گذرا.

به میراث فرهنگی شعر فارسی که نظر کنیم خواهیم دید که مثلاً کمال الدین اسماعیل مضمون یاب و تصویر آفرین است اما حتی در حد یک شاعر درجه دوم هم مورد اعتنا نیست، ولی خواجه حافظ خلاق المعانی نیست؛ در عین حال بالاترین قله شعر عرفانی حکمی را از آن خود کرده است.

نتیجه آنکه:  
الف) شعر انقلاب، اصیل، باآور، و امیدبخش، از کانون فرهنگ ناب اسلام و از متن آگاهی تاریخی خود رویش و شکوفایی تازه‌ای را آغاز کرده است. این بذر در زمین مناسب خود کاشته شده است؛ اما بقیه قضایا به همت متفکران، منتقدان و آگاهی و همت شاعران وابسته است.

ب) در زمینه ایجاد بینش قرآنی و ایجاد جامعیت مکتبی برای محتوای شعر انقلاب باید تلاشی همه جانبه و نیرومند آغاز شود. جوانه‌هایی که گهگاه در گوشه و کنار در جهت توسعه بخشیدن به شعر انقلاب به چشم می‌خورد بیشتر غریزی و خودجوش است؛ نه برآمده از حیطه آگاهی و اشراف. ج) برای انتقال فرهنگ شعر شیعی و حتی شعر فارسی اسلامی کار عمیق و جدی نشسته است و

بیشتر به نگاهی سطحی و اجمالی اکتفا شده است و این گنجینه، هنوز نامکشوف است (بیشتر نوعی تأثیرپذیری در شیوه بیان و قضا و تصویر و نه محتوا) از شاعران بیجاه ساله اخیر ایران و شاعران شعر معاصر عرب. گریز انقلابی به چشم می‌خورد.

د) برای ارزشیابی فرهنگ شعر شیعی و فارسی کار چندانی صورت نپذیرفته است. ه) اعتقاد عمیق به باورهای انقلابی امام (ره) به شاعران ملذذ رسانده است که در گسترش شعر پارسی فاخری سهم مهم باشند. واقع عینی و شهید انقلاب، نقش شاعران را مشخص کرده، آنان را از تنبلی و هرزروی احتمالی باز داشته است؛ اما بجز محدودی هنوز فرهنگ اسلام ناب با همه ابعاد و وجوه در عمق وجودشان ریشه ننشاند است که جبران این نقص مستلزم صرف وقت و نیرو و دانش است. اعتماد برانه پشتکار و مطالعه می‌گیر و همه‌جانبه به ویژه حضور دانشگاهیان متعهد و محقق و انقلابی است تا زمینه آن تحول عظیم فراهم خواهد بود. ک) شعر مکتبی و مکتب‌شعری انقلابی جایگاه واقعی خود را در جهان امروز با هویت مشخص و بیان خویش باز یابد.

۱. پانویس
۱. محمدعلی کاشانی در گذر؛ حوزه هنری، ۱۳۶۴، ص ۱۹
۲. محمدعلی کاشانی، حلق اسماعیل، حوزه هنری، ۱۳۶۲، ص ۱۱۲
۳. امجدی، شعر و سجع، حوزه هنری، ۱۳۶۲، ص ۱۳۲
۴. امین پور، آینه‌ها در کوچه، کتاب حوزه هنری، ۱۳۶۲
۵. موسوی گرمارودی، مکتب‌شعری، انتشارات نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸
۶. مستوفی، ص ۲۹۸
۷. رجعت سرخ ستاره، ص ۶۶
۸. همصدا با خلق اسماعیل، ص ۱۰۶
۹. مستوفی، ص ۲۹۸
۱۰. در کوچه، کتاب، ص ۱۰۶
۱۱. همان، ص ۲۰
۱۲. همصدا با خلق اسماعیل، ص ۱۱۸
۱۳. در کوچه، کتاب، ص ۱۰۶
۱۴. کتبی، سرود سپید، صند سیبوری و همصدا با خلق اسماعیل، ص ۱۰۶
۱۵. در کوچه، کتاب، ص ۱۰۶
۱۶. بالری، ساعد، نجوای جنون، انتشارات برک، ۱۳۶۶، ص ۸۰
۱۷. عبداللطیفان، مستشرقان، روزی امروز، ج ۳، انتشارات برک، ۱۳۶۸، ص ۱۴۰
۱۸. همان، ص ۱۳۰
۱۹. همان، ص ۱۳۰
۲۰. همصدا با خلق اسماعیل، ص ۱۱۲
۲۱. از مطبوعات تاجیهان، ص ۸۲
۲۲. فر هوای حرم، ص ۵۰ و ۶۲
۲۳. ریاضی امروز، ص ۲۷
۲۴. همان، ص ۶۲
۲۵. آینه‌های عشق، ص ۱۱
۲۶. تولد در میدان، ص ۸۱
۲۷. رجعت سرخ ستاره، ص ۲۹
۲۸. خون نامه خاک، ص ۲
۲۹. همصدا با خلق اسماعیل، ص ۱۶

● شاعران بیش از آنکه تصاویر را بعد و عمق ببخشند و مضامین را تعمیم دهند، نوآوری می‌کنند. به این ترتیب در غایت تصاویر و مضامین نو ولی بیخنده باقی می‌مانند و دارای فرهنگ نمی‌شوند و موج ایجاد نمی‌کنند. به همین دلیل اشعار، تازه‌ریسته و ترد و شاداب، اما کوتاه عمر و محدودند و دارای تأثیری گذرا.

